بازخوانی فقهی مسئله خمر؛ مطالعه‌ای در ادله طهارت و نجاست آن با تکیه بر نظرات آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای

نیما نوروزی[۱]

چکیده

مسئله طهارت یا نجاست خمر از مباحث مهم و مورد اختلاف در فقه امامیه است که افزون بر بُعد نظری، آثار عملی گسترده‌ای در ابواب مختلف فقه، به‌ویژه طهارت، نماز و اطعمه و اشربه دارد. در حالی که حرمت تکلیفی شرب خمر از مسلمات فقه اسلامی به شمار می‌آید، در حکم وضعی آن یعنی طهارت یا نجاست، میان فقهای امامیه دیدگاه‌های متفاوتی شکل گرفته است. منشأ این اختلاف، وجود دو دسته روایات ظاهراً متعارض است که برخی بر نجاست خمر و لزوم اجتناب از آن دلالت دارند و برخی دیگر ظهور در طهارت یا دست‌کم عدم تنجیس آن دارند. پژوهش حاضر با هدف تبیین و تحلیل این مسئله بر اساس دیدگاه امام سید مجتبی خامنه‌ای سامان یافته است. در این تحقیق، با روش توصیفی ـ تحلیلی، ابتدا اقوال فقها در دو دیدگاه نجاست و طهارت خمر بررسی شده و سپس ادله اصولی و روایی هر دو دیدگاه تحلیل گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچند برخی روایات، به‌ویژه روایت زراره، ظهور قابل توجهی در طهارت خمر دارند، اما در نهایت با توجه به مرجحات روایی، از جمله ترجیح بیان‌شده در روایت علی بن مهزیار و نیز شهرت فتوایی میان فقهای امامیه، دیدگاه نجاست خمر تقویت می‌شود. با این حال، تحلیل دلالی روایات طهارت نشان می‌دهد که مسئله همچنان ظرفیت بحث اجتهادی و بازخوانی علمی را داراست.

کلیدواژه: طهارت، نجاسات، فقه عبادات، احکام عبادی، امام خامنه ای

---

[۱]. گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشکده علوم و معارف، جامعه المصطفی العالمیه و سطوح عالیه قم، حوزه علمیه قم، ایران

مقدمه

مسئله طهارت یا نجاست خمر از مباحث بنیادین و دیرپای فقه امامیه است که افزون بر جنبه نظری، آثار عملی گسترده‌ای در ابـواب طهـارت، نمـاز، اطعمـه و اشربه، معاملات و معاشـرت‌های اجتمـاعی دارد. خمـر، بـه‌عنوان مصـداق بـارز مسکرات، در نصوص دینی با نهی شدید همراه است، اما اختلاف در این‌که ایـن نهی ناظر به حکم تکلیفی صرف است یا افزون بر آن، دلالـت بـر حکـم وضـعیِ نجاست نیز دارد، موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های متعارض در میان فقهـای امامیـه شده است (شیخ طوسـی، ١٤١٧ق، ج.١، ص.٣٨٥؛ علامـه حلـی، ١٤٠٧ق، ج.١، ص.١٥٦).

بررسی روایات وارده در باب خمر نشان می‌دهد که از یک‌سو، مجموعه‌ای از اخبار بر نجاست خمر و لزوم اجتناب از آن و متعلقاتش دلالت دارند و از سـوی دیگر، روایاتی وجود دارد که ظهور در طهارت خمر یا دست‌کم عدم تنجـیس آن دارند. این تعارض ظاهری، فقیه را ناگزیر از اتخاذ روش‌هایی چون ترجیح، جمع عرفی، حمل بر تقیه یا تفکیک میان حکم تکلیفی و وضعی می‌سازد (محقق حلی، ١٤٠٩ق، ج.١، ص.٧٤؛ صاحب جواهر، ١٤٠٤ق، ج.٦، ص.٢٩٠).

اهمیت بازخوانی این مسئله در روزگار معاصر، افزون بر جنبه نظری، به دلیـل گسترش مصادیق نوپدیدِ مرتبط با الکل، ماننـد داروهـا، مـواد ضـدعفونی‌کننده و صنایع غذایی، دوچندان شده است. اتخاذ موضع فقهی دقیق در باب طهـارت یـا نجاست خمر، مستقیماً در فتاوای عملی و سبک زندگی مکلفان تأثیرگذار است و ازاین‌رو، بازکاوی مبانی فقهای معاصر در این زمینه، ضـرورتی اجتناب‌ناپـذیر بـه شـمار مـی‌رود (امـام خمینـی، ١٤٢١ق، ج.٢، ص.٤٥؛ خـویی، ١٤١٣ق، ج.٣، ص.٤٨).

در میان دیدگاه‌های معاصر، درس خارج درس خارج فقه سیدنا الاستاذ امام سید مجتبی خامنه‌ای واجد اهمیت ویژه است؛ زیرا این دیدگاه با رویکردی تحلیلی و روشمند، به بررسی سندی و دلالی هر دو دسته روایات پرداخته و تلاش کرده است با بهره‌گیری از قواعد اصولی و مرجّحات روایی، نظریه‌ای منقّح در باب حکم خمر ارائه دهد. بررسی مستقل و منسجم این دیدگاه می‌تواند به روشن‌تر شدن مسیر اجتهادی در مواجهه با تعارض اخبار کمک شایانی نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۱۰).

پیشینه فقهی مسئله خمر را می‌توان در آثار فقهای متقدم و متأخر پی‌گیری کرد. فقهایی همچون شیخ طوسی و ابن‌ادریس بر نجاست خمر تأکید کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱٤۱۷ق، ج.۱، ص.۳۸۷؛ ابن‌ادریس، ۱٤۱۰ق، ج.۱، ص.۱۲۳)، در حالی که برخی دیگر با استناد به روایات خاص، در دلالت ادله نجاست تأمل نموده‌اند (سید مرتضی، ۱٤۰۵ق، ج.۱، ص.۲۹۸). در آثار متأخر نیز بحث خمر ذیل قواعد تعارض اخبار و شهرت فتوایی به‌طور گسترده بررسی شده است (نراقی، ۱٤۱۷ق، ج.۲، ص.۲٦۵).

با وجود این حجم از مباحث، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل نظام‌مند و مستقل دیدگاه امام سید مجتبی خامنه‌ای در قالب یک پژوهش آکادمیک است؛ به‌گونه‌ای که هم ساختار استدلالی ایشان، هم شیوه مواجهه با روایات طهارت و نجاست، و هم مبانی ترجیح و جمع اخبار به‌صورت یکپارچه بررسی شود. اغلب پژوهش‌های موجود یا به گزارش اجمالی اقوال بسنده کرده‌اند یا دیدگاه‌های معاصر را به‌طور پراکنده مطرح نموده‌اند، بی‌آنکه به بازسازی دقیق یک نظریه فقهی خاص بپردازند.

بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل حکم طهارت یا نجاست خمر از منظر امام سید مجتبی خامنه‌ای است. اهداف فرعی پژوهش

عبارت‌اند از: بررسی و نقد ادله روایی دو دیدگاه، تحلیل مرجّحات مورد استفاده در درس خارج، تبیین نظریه مختار و نشان دادن آثار عملی آن در ابواب مختلف فقه. این پژوهش می‌کوشد ضمن وفاداری به روش اجتهادی فقه امامیه، تصویری روشن و مستند از این دیدگاه ارائه دهد و زمینه را برای گفت‌وگوی علمی دقیق‌تر در این مسئله فراهم سازد.

۱. اقوال فقها در طهارت و نجاست خمر

مسئله طهارت یا نجاست خمر از مباحث دیرپای فقه امامیه است که با وجود اتفاق‌نظر فقها بر حرمت تکلیفی آن، در حکم وضعی‌اش اختلافی قابل توجه پدید آمده است. منشأ این اختلاف را باید در تعارض ظاهری برخی روایات و نیز تفاوت در مبانی اصولی فقها در تحلیل دلالت نصوص، نقش شهرت، و نحوه جمع میان اخبار جست‌وجو کرد. بررسی آثار فقهی نشان می‌دهد که از قرون نخستین، دو جریان اصلی در این مسئله شکل گرفته است: جریانی که قائل به نجاست خمر است و در فقه متأخر به دیدگاه مشهور تبدیل شده، و جریانی که با تفکیک میان حرمت تکلیفی و حکم وضعی، طهارت خمر را پذیرفته است. شناخت این دو رویکرد و تحلیل جایگاه دیدگاه‌های معاصر در میان آن‌ها، مقدمه‌ای ضروری برای بررسی اجتهادی مسئله به شمار می‌آید.

۱-۱. اقوال مشهور در نجاست خمر

قول به نجاست خمر، دیدگاه غالب در میان فقهای متأخر امامیه است و در بسیاری از منابع فقهی به‌عنوان قول مشهور معرفی شده است. فقهایی همچون شیخ طوسی، محقق حلی و علامه حلی در آثار فقهی خود با استناد به روایات نهی از استعمال خمر و آثار آن، حکم به نجاست خمر داده‌اند و این دیدگاه به‌تدریج در فقه امامیه تثبیت شده است (طوسی، ۱٤۰۰ق، ص ۵۸؛ محقق حلی، ۱٤۰۸ق، ج۱، ص ٦٤؛ علامه حلی، ۱٤۱۰ق، ج۱، ص ۲۳).

مهم‌ترین مستند این دیدگاه مجموعه‌ای از روایات است که با تعابیری همچون نهی از استعمال خمر، لزوم اجتناب از آن در لباس و بدن، یا منع از استفاده از ظروف خمر، به‌گونه‌ای دلالت بر نجاست آن دارند. این روایات در منابع حدیثی معتبر امامیه نقل شده و فقهای قائل به نجاست، ظهور آن‌ها را در حکم وضعی پذیرفته‌اند (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج٦، ص ٤۰۳؛ طوسی، ۱٤۰۷ق، ج۱، ص ۲۸٤).

افزون بر ادله روایی، برخی فقها از مبانی اصولی نیز برای تقویت این دیدگاه بهره گرفته‌اند. از جمله استدلال شده است که شدت نهی شارع از خمر و تعبیراتی که در متون دینی درباره آن به‌کار رفته، نشان‌دهنده نوعی قبح ذاتی است که در عرف فقهی با نجاست مناسبت دارد. از این رو، جمع عرفی میان این تعابیر و حکم طهارت دشوار دانسته شده است (نجفی، ۱۳٦۷ق، ج٦، ص ۳۲۵).

همچنین، شهرت فتوایی میان فقهای امامیه از قرون میانه به بعد، به‌عنوان مؤیدی برای این دیدگاه مطرح شده است. برخی فقها این شهرت را نشانه‌ای از فهم مشترک اصحاب از روایات دانسته و آن را در مقام ترجیح روایات نجاست بر روایات طهارت مؤثر تلقی کرده‌اند (نراقی، ۱٤۱۵ق، ج۱، ص ۲۷۱).

۱-۲. اقوال قائل به طهارت خمر

در برابر دیدگاه مشهور، برخی از فقهای امامیه قائل به طهارت خمر شده‌اند. این دیدگاه سابقه‌ای کهن در فقه امامیه دارد و در منابع رجالی و فقهی، قول به طهارت خمر به علی بن بابویه قمی نسبت داده شده است؛ فقیهی که به سبب نزدیکی زمانی به عصر ائمه علیهم‌السلام، دیدگاه‌های او در بررسی آرای قدمای امامیه اهمیت ویژه‌ای دارد (نجاشی، ۱٤۱٦ق، ص ۲٦۱).

یکی از مهم‌ترین مستندات این دیدگاه، روایاتی است که یا ظهور در طهارت خمر دارند یا در مقام شمارش نجاسات، از خمر نامی نمی‌برند. قائلان به طهارت

استدلال می‌کنند که اگر خمر نجس بود، انتظار می‌رفت در برخی روایات آموزشی که به بیان نجاسات می‌پردازند، به‌صراحت ذکر شود؛ در حالی که در برخی از این روایات چنین تصریحی مشاهده نمی‌شود (صدوق، ۱٤۱۳ق، ج۱، ص ۳۵).

علاوه بر این، مدافعان طهارت خمر بر تفکیک میان حرمت تکلیفی و حکم وضعی تأکید کرده‌اند. به اعتقاد آنان، حرمت شدید شرب خمر به‌تنهایی مستلزم نجاست آن نیست؛ زیرا در فقه اسلامی موارد متعددی وجود دارد که عملی حرام است، اما موضوع آن نجس محسوب نمی‌شود. از این رو، اثبات نجاست نیازمند دلیل خاص و صریح است (سید مرتضی، ۱٤۰۵ق، ج۱، ص ۲۹٦).

برخی فقها نیز احتمال تقیه را در مورد روایات دال بر نجاست مطرح کرده‌اند. با توجه به اینکه در فقه بسیاری از مذاهب اهل سنت، نجاست خمر پذیرفته شده بود، احتمال داده شده است که برخی روایات موافق با این دیدگاه در شرایط تقیه صادر شده باشند و از این رو در مقام تعارض با روایات مخالف، نیازمند تأویل باشند (ابن‌ادریس، ۱٤۱۰ق، ج۱، ص ۱۲۵).

۲. بررسی ادله نجاست خمر

در ادامه ادله نجاست خمر را مورد بررسی قرار میدهیم:

۲-۱. قرآن کریم

خداوند متعال در آیه شریفه ۹۰ سوره مائده می‌فرماید: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» استدلال فقها بر نجاست خمر مبتنی بر این نکته است که واژه «رجس» به معنای نجاست استعمال شده است. این معنا یا به‌صورت حقیقت لغوی ثابت است یا دست‌کم در مقام بحث، به‌واسطه نقل اجماع فقها بر تفسیر رجس به نجس، قابل پذیرش می‌باشد. افزون بر این، تناسب حکم و موضوع اقتضا دارد که امر به «اجتناب» بر چیزی مترتب

شود که ذاتاً پلید و ناپاک است، نه صرفاً امری حرام تکلیفی (خمینی، ۱۳۷٦ق، ج۳، ص۱۷۳).

برخی احتمال داده‌اند که موارد سه‌گانه پس از خمر (میسر، انصاب و ازلام) از باب تنزیل در حکم خمر قرار گرفته‌اند، زیرا آن‌ها ذاتاً نجس نیستند. اما این تحلیل در مورد خود خمر جاری نیست؛ چراکه هیچ قرینه‌ای بر تنزیل یا مجاز در مورد خمر اقامه نشده و اصل، حمل بر حقیقت است. نتیجه آنکه خمر حقیقتاً رجس و نجس است، نه تنزیلاً.

۲-۲. سنت و روایات

روایات، مهم‌ترین مستند فقهی برای اثبات نجاست خمر در فقه امامیه به شمار می‌آیند. بسیاری از فقهای شیعه با استناد به مجموعه‌ای از احادیث که در آن‌ها یا به‌صراحت از رجس بودن خمر سخن گفته شده یا احکام عملیِ مترتب بر آن بیان گردیده، به نجاست عینی خمر حکم کرده‌اند. این روایات در منابع معتبر حدیثی نقل شده و در طول تاریخ فقه، مورد استناد فقهای بزرگ قرار گرفته‌اند. ازاین‌رو بررسی سندی و دلالی این روایات و تحلیل آثار عملی آن‌ها، گام اساسی در فهم مبنای فقهی حکم نجاست خمر محسوب می‌شود. در درس خارج فقهی امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز پیش از ورود به بحث تعارض ادله، ابتدا مجموعه روایات دال بر نجاست خمر گردآوری و تحلیل شده است تا قلمرو دلالت آن‌ها روشن گردد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.٥٤).

برای تحلیل دقیق ادله روایی نجاست خمر، لازم است ابتدا این روایات بر اساس نوع دلالت آن‌ها دسته‌بندی شوند. در منابع حدیثی، برخی روایات به صورت مستقیم به رجس بودن خمر یا لزوم تطهیر آن اشاره دارند و برخی دیگر از طریق بیان احکام عملی مانند اجتناب از ظروف یا نهی از استعمال، بر نجاست

آن دلالت می‌کنند. تفکیک این دو دسته به فهم بهتر مبنای استدلال فقها کمک می‌کند.

دسته نخست شامل روایاتی است که ظهور نسبتاً مستقیم در نجاست دارند؛ مانند روایاتی که خمر را در کنار نجاسات دیگری چون میته یا لحم الخنزیر قرار داده‌اند یا با تعبیراتی همچون «رجس» از آن یاد کرده‌اند. این دسته از روایات معمولاً محور اصلی استدلال فقهایی است که نجاست خمر را پذیرفته‌اند و در آثار فقهی متقدم و متأخر به آن‌ها استناد شده است (کلینی، ١٤٠٧ق، ج٦، ص٤١٢؛ عاملی، ١٤٠٩ق، ج٣، ص٤٦٧).

دسته دوم شامل روایاتی است که به‌طور مستقیم لفظ نجاست را بیان نمی‌کنند، اما از طریق احکام عملی بر آن دلالت دارند؛ مانند امر به شستن ظروف خمر، نهی از نماز در لباس آلوده به آن یا دستور به اجتناب از ظرف‌هایی که در آن‌ها خمر نوشیده می‌شود. فقها این دسته را از باب دلالت التزامی دلیل بر نجاست دانسته‌اند، زیرا احکامی همچون لزوم غسل یا اجتناب از استعمال معمولاً در مورد اشیای نجس مطرح می‌شود (نجفی، ١٤٠٤ق، ج٦، ص٣٤٨).

در تحلیل ارائه‌شده در درس خارج امام سید مجتبی خامنه‌ای، این تفکیک روایات به دو دسته «صریح» و «مؤید عملی» نقش مهمی در ارزیابی قوت دلالت روایات ایفا می‌کند؛ زیرا در مرحله تعارض ادله، روشن می‌شود که کدام روایات در مقام بیان حکم نجاست بوده و کدام یک تنها مؤید آن به شمار می‌آیند (خامنه‌ای، ١٣٩٩، ص.٢).

پس از دسته‌بندی روایات، بررسی سندی و دلالی آن‌ها برای احراز حجیت ضروری است. در علم حدیث، اعتبار یک روایت به وثاقت راویان و اتصال سند آن وابسته است؛ بنابراین اگر روایتی از نظر سندی ضعیف باشد، نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای استنباط حکم فقهی قرار گیرد. ازاین‌رو فقها در بررسی روایات

نجاست خمر، به وثاقت راویانی همچون عبدالله بن سنان، عمر بن حنظله و دیگر راویان توجه کرده‌اند (عاملی، ۱٤۰۹ق، ج۸، ص۳۲).

از حیث دلالت نیز باید روشن شود که آیا روایت در مقام بیان نجاست عینی است یا تنها حرمت شرب خمر را بیان می‌کند. گاه ممکن است نهی از استعمال یا اجتناب، به دلیل حرمت تکلیفی باشد نه نجاست. به همین دلیل، فقها ظهور عرفی الفاظی مانند «غسل»، «رجس» یا «اجتناب» را بررسی کرده‌اند تا معلوم شود که آیا این الفاظ در سیاق مورد بحث، بر نجاست دلالت دارند یا خیر (نجفی، ۱٤۰٤ق، ج٦، ص۳۵۳).

در درس خارج فقهی امام سید مجتبی خامنه‌ای تأکید شده است که در تحلیل دلالت روایات باید به ظهور عرفی الفاظ پایبند بود و تنها در صورتی روایت را بر تقیه یا کراهت حمل کرد که قرینه‌ای معتبر بر آن وجود داشته باشد. بر همین اساس، اگر امر به غسل یا نهی از استعمال به‌گونه‌ای بیان شده باشد که عرفاً از آن نجاست فهمیده شود، حمل آن بر غیر نجاست وجهی نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.٦٥).

بخش قابل توجهی از روایات مرتبط با خمر در قالب بیان فروع عملی مطرح شده‌اند؛ یعنی شارع در آن‌ها حکم برخی اعمال روزمره را در ارتباط با خمر بیان کرده است. این فروع شامل مسائلی مانند استفاده از ظروف خمر، اختلاط خمر با آب، حکم ظروف مخصوص تهیه خمر و نیز نماز با لباس آلوده به خمر می‌شود. بررسی این احکام عملی در استنباط حکم نجاست خمر نقش مهمی دارد.

فقها بر این باورند که بسیاری از این احکام تنها در صورتی قابل توجیه‌اند که خمر نجس دانسته شود؛ زیرا اگر خمر طاهر بود، الزام به شستن ظروف یا اجتناب از لباس آلوده به آن معنا و توجیه روشنی نداشت. به همین دلیل، این

دسته از روایات غالباً به‌عنوان قرائن مؤید بر نجاست خمر مورد استناد قرار گرفته‌اند (نجفی، ١٤٠٤ق، ج٦، ص٣٤٨).

در درس خارج فقهی امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز این فروع عملی به‌عنوان شواهدی مهم برای فهم نحوه مواجهه شارع با خمر بررسی شده‌اند. به نظر ایشان، این روایات گرچه گاه به‌طور مستقیم لفظ نجاست را بیان نمی‌کنند، اما در مجموع نظامی از احکام عملی را شکل می‌دهند که با فرض نجاست خمر سازگارتر است (خامنه‌ای، ١٣٩٩، ص.٣٣).

٢-٣-١. وجوب اجتناب از ظروف خمر

یکی از مهم‌ترین شواهد روایی بر نجاست خمر، روایاتی است که در آن‌ها از استفاده از ظروفی که در آن خمر بوده نهی شده یا امر به شستن آن‌ها شده است. در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «لا تأکل فی آنیتهم و لا من طعامهم الذی یطبخونه و لا فی آنیتهم التی یشربون فیها الخمر» (حر عاملی، ١٤٠٩ق، ج٣، ص٤٦٧).

این روایت در مقام نهی از استفاده از ظروفی است که در آن‌ها خمر نوشیده می‌شود. فقها این نهی را نشانه‌ای از نجاست خمر دانسته‌اند؛ زیرا اگر خمر طاهر بود، دلیلی برای اجتناب از ظرف آن وجود نداشت و صرف حرمت شرب خمر نمی‌توانست چنین حکمی را توجیه کند. در تحلیل فقهی، از این روایت استفاده شده است که خمر با ظرف تماس پیدا کرده و موجب تنجیس آن شده است، ازاین‌رو استفاده از ظرف بدون تطهیر جایز نیست. این دلالت در کنار سایر روایات مشابه، مجموعه‌ای از قرائن را بر نجاست خمر فراهم می‌کند. در درس خارج امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز به این نکته اشاره شده است که نهی از استعمال ظرف، در عرف فقهی غالباً بر نجاست شیء دلالت دارد؛ زیرا در غیر

این صورت، امر به اجتناب از ظرف وجهی نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.٦٢).

۲-۳-۲. نجاست آب مخلوط با خمر

از دیگر روایات مهم در این زمینه، روایت عمر بن حنظله درباره آبی است که با مسکر تماس پیدا کرده است. در این روایت آمده است: «قلت لأبی عبد الله: ما تری فی قدح من مسکر یصب علیه الماء حتی تذهب عادیته و یذهب سکره؟ فقال: لا والله ولا قطرة تقطر منه فی حب إلا أهریق ذلک الحب.» (طوسی، ۱٤۰۷ق، ج۹، ص۹۷).

در این روایت امام صادق(ع) دستور می‌دهند که حتی اگر قطره‌ای از مسکر در ظرفی بریزد، آب موجود در آن باید ریخته شود. فقها این حکم را دلیلی بر نجاست مسکرات دانسته‌اند، زیرا در غیر این صورت، چنین شدت عملی قابل توجیه نبود. از آنجا که خمر از مصادیق روشن مسکرات است، اطلاق واژه «مسکر» در این روایت شامل آن نیز می‌شود. بنابراین حکم نجاست مسکر، به‌طور طبیعی به خمر نیز سرایت می‌کند و از این روایت می‌توان نجاست خمر را استظهار کرد. در درس خارج امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز بیان شده است که اطلاق لفظ «مسکر» در این روایت، شامل خمر می‌شود و ظهور روایت در لزوم اجتناب از آب مخلوط با مسکر، قرینه‌ای قوی بر نجاست آن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.٦٦).

۲-۳-۳. نهی از ظروف مخصوص خمر

در برخی روایات، پیامبر اکرم(ص) از استفاده از ظروفی که معمولاً برای تهیه خمر به کار می‌رفتند نهی کرده‌اند. در روایت ابوالربیع شامی از امام صادق(ع) آمده است: «نهی رسول الله صلی الله علیه وآله عن الدباء والمزفت والحنتم والنقیر.» (حر عاملی، ۱٤۰۹ق، ج۲۵، ص٤٨).

این ظروف در جاهلیت برای تهیه و نگهداری خمر به کـار می‌رفتنـد. نهـی از آن‌ها در کنار نهی از مسکرات، نشان‌دهنده حساسیت شارع نسبت بـه تمـاس بـا خمر و آثار آن است. فقها این نهی را قرینه‌ای بر نجاست خمـر دانسـته‌اند؛ زیـرا اگر خمر طاهر بود، ارتباط ظرف با آن موجب چنین نهی‌ای نمی‌شـد. در نتیجـه، احتمال داده شده است که این نهی به جهـت آلـودگی ظـرف بـه خمـر و لـزوم اجتناب از آن باشد. در درس خارج امام سید مجتبـی خامنـه‌ای نیـز اشـاره شـده است که این روایات اگرچه صریح در نجاست نیستند، اما در کنار سایر روایـات مربوط به اجتناب از ظروف خمـر، مجموعـه‌ای از قـرائن را بـر نجاسـت خمـر تشکیل می‌دهند (خامنه‌ای، ١٣٩٩، ص.٦٧).

٢-٣-٤. نهی از استشفاء و استعمال دارویی خمر

در برخی روایات، از استفاده خمر برای درمان یا استعمال دارویی نهـی شـده است. در صحیحه هارون بن حمزه آمده است: «هو خبیث بمنزلة المیتة، فإن کـان مضطراً فلیکتحل به.» (حر عاملی، ١٤٠٩ق، ج٩، ص٧٨). در این روایت، خمر بـه «میته» تشبیه شده است. از آنجا که میته از نجاسات قطعی در فقه اسلامی به شمار می‌آید، فقها این تشبیه را دال بر نجاست خمر دانسته‌اند. تشبیه خمر به میته نشان می‌دهد که شارع آن را در ردیـف اشـیای ناپـاک قـرار داده اسـت. ایـن تعبیـر از قوی‌ترین تعابیر روایی در زمینه نجاست خمر محسوب می‌شود، زیـرا عـلاوه بـر بیان حرمت، نوعی تنزیل در حکم نجاست را نیز در بر دارد. در تحلیل ارائه‌شـده در درس خارج امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز تأکید شده است که اگر سند روایت معتبر باشد، تشبیه خمر به میته از مهم‌ترین قرائن بر نجاست خمر خواهـد بـود و باید در کنار سایر روایات مورد توجه قرار گیرد (خامنه‌ای، ١٣٩٩، ص.٧٢).

٢-٣-٥. حکم نماز با لباس آلوده به خمر

یکی دیگر از فروع عملی مرتبط با نجاست خمر، حکم نماز در لباسی است که با خمر تماس پیدا کرده است. در روایتی از خیران خادم آمده است: «لا تصل فیه فإنه رجس.» (نوری، ۱٤۰۸ق، ج۷، ص۲٤۷). در این روایت، علت نهی از نماز در لباس آلوده به خمر، «رجس» بودن آن ذکر شده است. تعبیر رجس در ادبیات فقهی غالباً برای بیان نجاست به کار می‌رود و ازاین‌رو بسیاری از فقها این روایت را دلیل صریح بر نجاست خمر دانسته‌اند. همچنین در روایت عبدالله بن سنان، هنگامی که از نماز در لباسی که احتمال تماس با خمر دارد سؤال می‌شود، امام(ع) در صورتی که یقین به آلودگی وجود نداشته باشد، نماز را جایز می‌دانند. این پاسخ نشان می‌دهد که در صورت یقین به تماس با خمر، لزوم تطهیر لباس مفروغٌ‌عنه بوده است (حر عاملی، ۱٤۰۹ق، ج٤، ص۷٤). در تحلیل درس خارج امام سید مجتبی خامنه‌ای، این دسته از روایات از مهم‌ترین شواهد عملی بر نجاست خمر به شمار می‌آیند؛ زیرا حکم بطلان نماز در لباس آلوده به خمر تنها در صورتی قابل توجیه است که خمر از نجاسات محسوب شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۷۵).

۲-۳. شهرت فتوایی

مباحث مربوط به دلیل شهرت در مسئله نجاست خمر نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌های ترجیح میان روایات متعارض، مراجعه به شهرت فتوایی و روایی در میان فقهای امامیه است. در منابع فقهی، غالب فقهای شیعه قائل به نجاست خمر شده‌اند و این قول در طول تاریخ فقه امامیه شهرت قابل توجهی یافته است. ازاین‌رو برخی از فقیهان در مقام جمع میان روایات طهارت و نجاست خمر، با تکیه بر همین شهرت، روایات دال بر نجاست را مقدم دانسته‌اند. در این میان، صاحب جواهر نیز با اشاره به اتفاق یا شهرت قوی فقها، نجاست

خمر را از مسائل مشهور فقهی دانسته و مخالفت‌های محدود با آن را قابل اعتنا نمی‌داند (نجفی، ١٤٠٤ق، ج٦، ص١٠).

از منظر اصولی، تحلیل شهرت در این مسئله وابسته به مبنای پذیرفته‌شده در باب تعارض روایات است. اگر مبنای مشهور اصولیان مبنی بر **وحدت حکم واقعی** پذیرفته شود، لازمه آن این است که در مسئله خمر تنها یک حکم واقعی وجود داشته باشد و تعارض میان روایات طهارت و نجاست، تعارضی ظاهری در ادله به شمار آید. در چنین وضعیتی باید به قواعد «تعادل و تراجیح» رجوع کرد و با استفاده از مرجحات منصوصه، یکی از دو دسته روایت را بر دیگری ترجیح داد. یکی از مهم‌ترین این مرجحات در روایات باب تعارض، **شهرت میان اصحاب** است که در مقبوله عمر بن حنظله نیز به آن تصریح شده است (کلینی، ١٤٠٧ق، ج١، ص٦٨؛ طوسی، ١٤٠٧ق، ج٦، ص٣٠٢).

بر اساس مفاد مقبوله عمر بن حنظله، در صورت تعارض دو خبر، باید به روایتی عمل کرد که میان اصحاب مشهور است و خبر شاذ را کنار گذاشت. بسیاری از فقها با استناد به همین مرجح، روایات دال بر نجاست خمر را مقدم دانسته‌اند؛ زیرا در فقه امامیه شهرت فتوایی غالباً در جهت نجاست خمر شکل گرفته است. در تحلیل ارائه‌شده در تقریرات فقهی امام سید مجتبی خامنه‌ای نیز به این نکته اشاره شده است که در ترتیب مرجحات مذکور در مقبوله، شهرت پیش از مرجح «مخالفت با عامه» ذکر شده و این امر می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت و تقدم آن در مقام ترجیح باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۲۰۱).

در مقابل، اگر مبنای تعدد حکم واقعی پذیرفته شود، تعارض روایات به شکل دیگری تحلیل می‌شود. بر اساس این دیدگاه، ممکن است در یک موضوع واحد، احکام متعددی از سوی شارع صادر شده باشد و هر یک از روایات بیانگر حکمی واقعی برای گروهی از مخاطبان باشد. در چنین حالتی، تعارض واقعی

میان روایات وجود ندارد و برای کسانی که هر دو دسته روایت را در اختیار دارند، حکم به تخییر در عمل داده می‌شود. با این حال، امام سید مجتبی خامنه‌ای توضیح می‌دهند که این تخییر در برخی موارد نمی‌تواند استمراری باشد و در بسیاری از موارد به صورت تخییر بدوی خواهد بود؛ یعنی پس از انتخاب یک طرف، امکان بازگشت به طرف دیگر وجود ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۲۰۲).

از سوی دیگر، در بررسی جایگاه شهرت باید میان انواع مختلف آن تمایز قائل شد. در تحلیل‌های ارائه‌شده در تقریرات مذکور، شهرت به دو معنا تقسیم می‌شود: شهرت زمان ابتلا و شهرت زمان صدور روایت. اگر شهرت مربوط به زمان ابتلای مجتهد باشد، بیشتر جنبه اصل عملی خواهد داشت؛ اما اگر شهرت به زمان اصحاب ائمه(ع) بازگردد و از سوی امامان ردعی نسبت به آن گزارش نشده باشد، می‌تواند به عنوان اماره‌ای بر رأی امام تلقی شود. در این صورت، شهرت نه تنها نقش عملی، بلکه نقش کاشفیت از حکم واقعی نیز خواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۲۰۱).

در نهایت، بررسی مجموع روایات نشان می‌دهد که اگرچه در فقه متأخر شهرت فتوایی در جهت نجاست خمر شکل گرفته است، اما در حوزه نقل روایت، هر دو دسته روایات طهارت و نجاست از راویان معتبر و منابع حدیثی مهم نقل شده‌اند و تشخیص روایت «اشهر» به سادگی ممکن نیست. ازاین‌رو در تحلیل نهایی، شهرت به تنهایی برای ترجیح قطعی یکی از دو دسته روایت کفایت نمی‌کند، هرچند بسیاری از فقها به جهت همین شهرت و نیز مقتضای احتیاط، قول به نجاست خمر را برگزیده‌اند (نجفی، ۱٤۰٤ق، ج٦، ص۱۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص.۲۰۰).

۳. ادلّه‌ی قائلین به طهارت خمر

مسئله‌ی طهارت یا نجاست خمر از مسائل اختلافی در فقه امامیه است که منشأ آن، تعارض ظاهری میان روایات وارده و نیز نحوه‌ی تحلیل رابطه‌ی حرمت تکلیفی شرب با نجاست وضعی خمر می‌باشد. در کنار قول مشهور به نجاست، گروهی از فقها ـ چه در میان متقدمان و چه در میان برخی معاصرین ـ با تکیه بر اصول عملیه و مجموعه‌ای از روایات، به طهارت خمر یا دست‌کم عدم ثبوت نجاست آن تمایل یافته‌اند. این دیدگاه در تقریرات فقهی امام سید مجتبی خامنه‌ای به‌صورت منقّح طرح و سپس مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۱۵–۱۵۷).

در ادامه، ادلّه‌ی این دیدگاه در دو محور اصولی و روایی بررسی می‌شود.

۳-۱. ادلّه‌ی اصول عملیه

۳-۱-۱. تمسک به اصالة الطهارة

نخستین دلیل اصولی قائلان به طهارت خمر، تمسک به قاعده‌ی عام «اصالة الطهارة» است. بنابر این قاعده، هر شیء‌ای در صورت شک در نجاست، محکوم به طهارت است، مگر آن‌که نجاست آن با دلیل معتبر شرعی ثابت گردد. خمر نیز از این قاعده مستثنا نشده و در نتیجه، در فرض تردید میان طهارت و نجاست، اصل عملی اقتضا می‌کند که حکم به طهارت آن شود(نراقی، ۱٤۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳). این استدلال، به‌ویژه در فرض تعارض روایات نجاست و طهارت، از نگاه قائلان به طهارت اهمیت می‌یابد؛ چرا که با سقوط هر دو طائفه‌ی روایات از حجیت، مرجع نهایی، اصول عملیه خواهد بود و در این صورت، اصالة الطهارة نتیجه‌ای جز طهارت خمر در پی ندارد. با این حال، امام خامنه‌ای تصریح می‌کنند که جریان اصالة الطهارة در این مسئله، متفرع بر عدم تمامیت ادلّه‌ی اجتهادی است و تا زمانی که روایات معتبر در دست باشد و امکان ترجیح میان آن‌ها وجود داشته باشد، نوبت به این اصل نمی‌رسد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۱۸).

۳-۱-۲. استصحاب طهارت مادّه‌ی قبل از تخمیر

دلیل اصولی دیگر، استصحاب طهارت مادّه‌ی اولیه‌ی خمر است. پیش از تحقق عنوان «خمر»، مایعی که از آن خمر به‌دست می‌آید ـ مانند عصیر عنبی ـ به‌طور مسلّم طاهر است. در این‌که آیا صرف تحقّق عنوان خمر موجب انقلاب طهارت به نجاست می‌شود یا نه، شک وجود دارد. در چنین فرضی، مقتضای قاعده‌ی استصحاب، بقاء حالت سابق، یعنی طهارت، خواهد بود. این استدلال بر این پیش‌فرض استوار است که دلیل خاصی بر نجاست خمر به‌عنوان یک حکم تعبدی مستقل در دست نباشد؛ زیرا در صورت وجود چنین دلیلی، استصحاب موضوعاً منتفی خواهد شد. ازاین‌رو، استصحاب نیز مانند اصالة الطهارة، تنها در فرض فقدان یا تعارض غیرقابل‌حل ادلّه‌ی لفظی کارایی دارد. خامنه‌ای با پذیرش صورت‌بندی اصولی این استدلال، تأکید می‌کنند که در مسئله‌ی خمر، به‌واسطه‌ی وجود روایات متعدّد دالّ بر نجاست، نمی‌توان به‌سادگی از این استصحاب بهره گرفت؛ زیرا شک در بقاء طهارت، شک بدوی نیست، بلکه شک در برابر امارات شرعی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۲۱).

۳-۱-۳. اصل برائت از آثار وضعی نجاست

سومین تقریر اصولی، مبتنی بر اصل برائت از آثار وضعی نجاست است. نجاست، آثار شرعی متعددی دارد؛ از جمله بطلان نماز در لباس نجس و لزوم تطهیر آن. اگر در این‌که خمر واجد این آثار است یا نه شک شود، اصل برائت اقتضا می‌کند که مکلف از الزام به تطهیر و اعاده‌ی نماز معاف دانسته شود. این استدلال، به‌ویژه در مقام عمل، می‌تواند مؤید جواز نماز در لباسِ ملاقی با خمر باشد، حتی اگر در نجاست ذاتی خمر تردید باقی بماند.

خامنه‌ای در ارزیابی این دلیل نیز یادآور می‌شوند که اصل برائت، در جایی جاری می‌شود که تکلیف یا اثر وضعی مشکوک، مستند به دلیل اجتهادی معتبر

نباشد؛ در حالی که در این مسئله، روایات خاص در دست است و نمی‌توان بدون بررسی نهایی آن‌ها به اصل برائت تمسک کرد.

در مجموع، ادلّه‌ی اصولی قائلان به طهارت خمر، از انسجام درونی برخوردار است، اما همگی بر یک مبنای مشترک استوارند: عدم ترجیح قطعی روایات نجاست بر روایات طهارت. از دیدگاه امام خامنه‌ای، با توجه به وجود مرجّحات روایی و شهرت فتوایی، این مبنا تحقق نیافته و بنابراین، اصول عملیه در این مسئله نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا نمی‌کنند.

۳-۲. ادلّه‌ی روایی بر طهارت خمر

۳-۲-۱. روایت زراره و دلالت آن بر طهارت خمر

مهم‌ترین دلیل روایی قائلان به طهارت خمر، روایتی است که زرارهٔ بن أعین از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل کرده است با این مضمون که: «سَأَلَ زُرارَةُ عَنِ الصَّلَاةِ فی ثَوْبٍ أصابَتْهُ الخَمْرُ، فَقالا(ع): لا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فیهِ، إنَّما حَرَّمَ اللهُ شُرْبَها.». در این روایت، زراره از نماز خواندن در لباسی که به خمر آلوده شده پرسش می‌کند و امامان(ع) در پاسخ، جواز نماز را اعلام کرده و حرمت را به شرب خمر منحصر می‌سازند. این روایت در منابع حدیثی متعددی نقل شده است (کلینی، ۱٤۰۷ق، ج۳، ص٤۰؛ طوسی، ۱٤۰۷ق، ج۱، ص۲۵۱؛ حرّ عاملی، ۱٤۱٤ق، ج۳، ص٤۷۸).

دلالت روایت بر طهارت خمر از دو جهت تحلیل شده است:

۱. ملازمه‌ی عرفی میان نجاست و مانعیت در نماز: در ارتکاز عرفیِ فقهی، لباس نجس مانع صحت نماز است. ازاین‌رو، تصریح امام(ع) به «لا بأس بالصلاة فیه» ظهور روشنی در عدم نجاست دارد؛ زیرا اگر خمر نجس بود، انتظار می‌رفت امام(ع) به منع از نماز یا لزوم تطهیر تصریح کند.

۲. تعلیل به حرمت شرب: تعلیل روایت با عبارت «إنما حُرِّم شربها» دلالت دارد بر این‌که حکم شارع نسبت به خمر، ناظر به حرمت تکلیفی شرب است، نه نجاست عینی. حصر در این تعلیل، به‌طور متعارف نفی سایر احکام، از جمله نجاست، را به ذهن متبادر می‌سازد.

امام سید مجتبی خامنه‌ای این دلالت را قوی و قابل توجه می‌دانند و تصریح می‌کنند که حمل چنین تعلیلی بر تقیّه، با سیاق روایت و مقام بیان سازگار نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۲۰–۱۲۵).

۳-۲-۲. روایات هم‌مضمون و تقویت ظهور طهارت

افزون بر روایت زراره، روایات دیگری نیز در منابع وجود دارد که در آن‌ها، جواز نماز در لباسِ آلوده به خمر تصریح شده و حرمت، به شرب خمر محدود گردیده است؛ از جمله روایتی با این مضمون: «صَلِّ فیهِ إِلَّا أَنْ تَقْذَرَهُ، فَإِنَّ اللهَ إِنَّما حَرَّمَ شُرْبَها» (حرّ عاملی، ۱٤۱٤ق، ج۳، ص٤۷۹)

این روایات، در کنار روایت زراره، یک طائفه و خانواده نسبتاً منسجم را تشکیل می‌دهند که همگی بر تفکیک میان حرمت شرب و طهارت عینی دلالت دارند. از این‌رو، برخی فقها با ضمیمه کردن این نصوص به یکدیگر، طهارت خمر را نتیجه گرفته‌اند.

۳-۲-۳. ارزیابی نهایی روایات طهارت در پرتو ترجیح روایی

با وجود قوّت دلالی روایات یادشده، امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند که این طائفه در تعارض با روایات دالّ بر نجاست قرار دارد و حلّ نهایی تعارض، به مرجّحات بیرونی وابسته است. در این میان، **نامه‌ی علی بن مهزیار از امام هادی(ع)** که در آن، حضرت امر به عمل به روایت غیر زراره (دالّ بر نجاست) کرده‌اند، نقش کلیدی در ترجیح جانب نجاست ایفا می‌کند (طوسی، ۱٤۰۷ق،

ج۱، ص۲۵۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۲۳–۱۳۵). بر این اساس، هرچند روایات طهارت از حیث سند و ظهور، ظرفیت استدلالی بالایی دارند، اما در منطق جمع روایی و با لحاظ مرجّحات، از دیدگاه ایشان، توانِ مقابله با ادلّه‌ی نجاست را ندارند.

ادله‌ی طهارت خمر، چه در سطح اصول عملیه و چه در سطح روایات، از ساختاری منسجم و قابل دفاع برخوردار است و به‌ویژه روایات زراره و تعلیل‌های وارده، ظهور قابل توجهی در عدم نجاست خمر دارند. با این حال، تحلیل نهایی امام سید مجتبی خامنه‌ای نشان می‌دهد که با لحاظ ترجیح صریح امام هادی(ع) و شهرت فتوایی فقهای امامیه، این ادله در مقام فتوا مغلوب شده و حکم به نجاست خمر تقویت می‌گردد، هرچند قوّت دلالی روایات طهارت به‌طور کامل انکار نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص۱۵۷).

نتیجه گیری

مسئله‌ی طهارت یا نجاست خمر از جمله مباحث مهم در فقه امامیه است که از دیرباز محل بحث و اختلاف نظر میان فقها بوده است. منشأ این اختلاف، در درجه‌ی نخست به وجود دو دسته روایات بازمی‌گردد که برخی بر طهارت خمر و برخی دیگر بر نجاست آن دلالت دارند. بررسی این روایات نشان می‌دهد که تعارض میان آن‌ها تعارضی قابل توجه است و تحلیل آن نیازمند بهره‌گیری از مبانی اصولی در باب تعادل و تراجیح و نیز ارزیابی دقیق دلالت‌ها و قرائن موجود در هر یک از طوایف روایی است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با هدف تحلیل این تعارض و ارزیابی ادله‌ی دو دیدگاه اصلی، یعنی طهارت و نجاست خمر، سامان یافته است.

در گام نخست، روشن شد که تحلیل مسئله تا حد زیادی به مبنای اصولی در باب نسبت میان ادله‌ی متعارض بازمی‌گردد. بر اساس مبنای مشهور اصولیان،

حکم واقعی در هر موضوع واحد است و تعارض روایات تنها تعارض در مقام ظاهر و حجیت به شمار می‌رود. در چنین وضعیتی، وظیفه‌ی فقیه آن است که با بهره‌گیری از قواعد تعادل و تراجیح، یکی از دو دسته روایت را بر دیگری ترجیح داده و آن را به عنوان بیانگر حکم واقعی بپذیرد. بنابراین، نتیجه‌ی نهایی در مسئله‌ی خمر نیز در گرو بررسی مرجّحات و سنجش قوت دلالی و سندی روایات خواهد بود.

در مقابل، برخی تحلیل‌ها بر مبنای امکان تعدد حکم ظاهری در فرض تعارض استوار شده‌اند. بر اساس این دیدگاه، در مواردی که دو دلیل معتبر در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند و ترجیح قطعی میان آن‌ها ممکن نیست، مکلف در مقام عمل مخیّر خواهد بود. با این حال، در مسئله‌ی خمر چنین تخییری نمی‌تواند به صورت استمراری و دائمی پذیرفته شود؛ زیرا پذیرش امکان جابه‌جایی مستمر میان حکم طهارت و نجاست، مستلزم لوازمی است که با ثبات احکام شرعی و نظام عمل مکلف سازگار نیست. ازاین‌رو، حتی بر مبنای پذیرش تخییر نیز گرایش به تعیین یکی از دو طرف تعارض تقویت می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل ترجیح در این مسئله، شهرت فتوایی میان فقهای امامیه است. بررسی آثار فقهی نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه در طول تاریخ فقه، به نجاست خمر فتوا داده‌اند و این دیدگاه به صورت یک قول مشهور و مستقر درآمده است. شهرت فتوایی، به‌ویژه با توجه به جایگاهی که در روایات باب ترجیح برای آن ذکر شده، می‌تواند در تعارض میان روایات نقش مؤثری در تقویت یکی از دو طرف داشته باشد و از این جهت، زمینه‌ی ترجیح روایات دالّ بر نجاست را فراهم سازد.

در عین حال، بررسی دقیق روایات طهارت نشان داد که برخی از آن‌ها از نظر دلالت دارای قوت قابل توجهی هستند. به‌ویژه روایت زراره که در آن جواز نماز

در لباسی که به خمر آلوده شده بیان شده و حرمت خمر به شرب آن منحصر گردیده است، ظهور قابل توجهی در عدم نجاست خمر دارد. تعلیل به این‌که «خداوند تنها شرب آن را حرام کرده است» عرفاً چنین می‌نمایاند که حکم شارع ناظر به حرمت تکلیفی شرب است و نه به نجاست عینی خمر.

با وجود این ظهور قوی، مجموعه‌ی روایات دالّ بر نجاست نیز از پشتوانه‌ی قابل توجهی برخوردارند و در برخی از آن‌ها به لزوم شستن لباس یا ظرفی که با خمر تماس پیدا کرده تصریح شده است. افزون بر این، در میان شواهد روایی، نقل علی بن مهزیار از امام هادی(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا در آن، حضرت در مقام پاسخ به اختلاف روایات، عمل به روایت دالّ بر نجاست را ترجیح داده‌اند. چنین تصریحی نقش مهمی در تعیین جهت ترجیح در این تعارض ایفا می‌کند.

بر این اساس، هرچند روایات طهارت از حیث دلالت واجد قوت قابل توجهی هستند و می‌توانند زمینه‌ی طرح دیدگاه طهارت خمر را فراهم سازند، اما با ملاحظه‌ی مجموع قرائن و مرجّحات، از جمله تصریح امام هادی(ع) در ترجیح روایت دالّ بر نجاست و نیز شهرت فتوایی فقهای امامیه، کفه‌ی ادله به سود قول به نجاست سنگینی می‌کند. ازاین‌رو، در جمع نهایی میان روایات، دیدگاه نجاست خمر از پشتوانه‌ی قوی‌تری برخوردار می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت که حرمت شرب خمر از مسلّمات شریعت اسلامی است و در آن تردیدی وجود ندارد، اما مسئله‌ی نجاست آن از منظر تحلیل روایی و اصولی، تاریخی از بحث و اختلاف را در فقه امامیه پشت سر گذاشته است. بررسی ادله نشان می‌دهد که هرچند امکان استظهار طهارت از برخی روایات وجود دارد، اما با در نظر گرفتن مرجّحات معتبر و سیره‌ی فتوایی فقها، نتیجه‌ی غالب فقهی به سمت نجاست خمر متمایل شده است؛ نتیجه‌ای که در عین حال نشان‌دهنده‌ی دقت و پویایی روش اجتهادی در مواجهه با تعارض ادله نیز هست.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌ادریس حلی، محمد بن احمد. (۱٤۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۲. امام خمینی، سید روح‌الله. (۱٤۲۱ق). *تحریر الوسیلة* (ج ۲). قم: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی.

۳. انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۳۷۵). *فرائد الأصول*. قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.

٤. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱٤۱٤ق). *وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة* (ج ۳). قم: مؤسسة آل‌البیت لإحیاء التراث.

۵. خامنه‌ای (امام)، سید مجتبی. (۱۳۹۹ش). *تقریرات فقه: طهارت و نجاست خمر*. تقریر نویسنده.

٦. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱٤۱۳ق). *معجم رجال الحدیث* (ج ۳). قم: مؤسسة الإمام الخوئی.

۷. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱٤۱۸ق). *مصباح الفقاهة: کتاب الطهارة* (ج ۱). قم: مؤسسة الإمام الخوئی.

۸. سید مرتضی، علی بن حسین علم‌الهدی. (۱٤۰۵ق). *الانتصار*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱٤۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (ج ۱). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱٤۰۰ق). *النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۱۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱٤۰۷ق). *تهذیب الأحکام* (ج ۱). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱٤۱۷ق). *الخلاف* (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱٤۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه* (ج ۱). قم: جامعة المدرسین.
۱٤. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷٤ش). *اصول فلسفه و روش رئالیسم* (ج ۵). تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱٤۰۷ق). *تحریر الأحکام الشرعیة* (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱٦. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱٤۱۰ق). *تذکرة الفقهاء* (ج ۱). قم: مؤسسة آل‌البیت.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱٤۰۷ق). *الکافی* (ج ۳، ٦). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱٤۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام* (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱٤۰۹ق). *المعتبر فی شرح المختصر* (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی. (۱٤۱٦ق). *رجال النجاشی*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۱. نجفی، محمدحسن. (۱۳٦۷ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (ج ٦). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۲. نجفی، محمدحسن. (۱٤۰٤ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام* (ج ٦). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۳. نراقی، احمد بن محمدمهدی. (۱٤۱٥ق). *مستند الشیعة فی أحکام الشریعة* (ج ۱). قم: مؤسسة آل‌البیت.
۲٤. نراقی، احمد بن محمدمهدی. (۱٤۱۷ق). *عوائد الأیام* (ج ۲). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.